

مقامات انتظامی در قبال توطئه‌های مسلحانه

هشدار مجاهدین خلق به

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

مجاهدین خلق ایران بدین وسیله احتمال وقوع برخی اقدامات بقیه در صفحه ۲



سال اول - شماره ۴۷ - سه‌شنبه دوم اردیبهشت ۱۳۵۹ - تک شماره ۵ ریال

پیام تسلیت مجاهدین خلق ایران به مردم قهرمان مشهد

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

مجاهدین خلق ایران ضمن اظهار تألم و تأثر از وحشی‌گریهای بی‌سابقه‌ی عده‌ای چاقوکار که منجر به زخمی شدن صدها نفر و شهید شدن یک نفر از اعضا (تا این لحظه) گردیده است، به شما مردم قهرمان مشهد تسلیت می‌گویند. باشد که ما نیز از عهده‌ی این همه فداکاری و ایثار شما مردم قهرمان در مسیر مبارزه‌ی طولانی‌مان تا رسیدن به جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی برآئیم.

مجاهدین خلق ایران ۵۹/۲/۱

یک شهید و صدها زخمی محصول حمله‌ی چاقوکاران به مجاهدین خلق - مشهد

حوادث مشهد و برخورد وحشیانه‌ی چاقوکاران و مزدوران ارتجاع با فرزندان برومند خلق که از خانه و محل فعالیت خود دفاع می‌کردند، بار دیگر ماهیت فاشیت نیروهای میرا را برملا ساخت، نیروهایی که هیچ چیز برای آنها جز مطامع و اهداف ارتجاعیشان مهم نیست، آنها یک بار دیگر روی جلادان آریامهری را سفید کردند و با حمله به بیمارستان مصدق که زخمی‌های مجاهدین در آن بستری بودند، حمایت حمله‌ی نظامیان شاه را به بیمارستان امام رضا در خاطرها زنده کردند، هر قدر نظامیان چکمه پوش آریامهری توانستند، منافع آریامندان را حفظ کنند، چاقوکاران مزدور ارتجاع نیز خواهند توانست منافع مرتجعین و سازشکاران و امپریالیستها را تأمین نمایند. ولی هیبت! زیرا که جهان را حساب و کتاب است، و حق و حقیقتی در کار است. ما در آینده گزارشات مفصل‌تر همراه با عکس چاپ خواهیم کرد.

خود را محدود به مقر مجاهدین خلق انحصار طلبان فاشیت و آغاز می‌کند. و این در حالی است مردوران واپسگرا، بالاخره ماهست که هنوز حدود ۴۰ نفر از زخمی‌ها در خود را روگرداند، و با حمله به مرکز ساختمان وجود دارند و به بیمارستان مجاهدین خلق در مشهد و اشغال مستقل شده‌اند. در میان مهاجمین آن و زخمی کردن صدها نفر و به وضوح افرادی که از اطراف مشهد احمر شهادت رساندن حداقل یکی از اعضای شده‌اند دیده می‌شوند. این وضعیت سازمان، برادر مجاهد متشکین مام‌روی نحرانی و خطرناک، توسط برادران ما چاقوکاران آریامهری را سفید کردند به اطلاع مقامات استانداری می‌رسد، اوایش با برنامه‌ی از بیست درصت در لحظاتی که امکان جوهر بریزی طرح شده، صبح روز ۱/۳۱، حملات و حوادث اسفبار می‌رود، آنها در

شهادت: حمله‌ی چاقوکاران و مزدوران ارتجاع با فرزندان برومند خلق که از خانه و محل فعالیت خود دفاع می‌کردند، بار دیگر ماهیت فاشیت نیروهای میرا را برملا ساخت، نیروهایی که هیچ چیز برای آنها جز مطامع و اهداف ارتجاعیشان مهم نیست، آنها یک بار دیگر روی جلادان آریامهری را سفید کردند و با حمله به بیمارستان مصدق که زخمی‌های مجاهدین در آن بستری بودند، حمایت حمله‌ی نظامیان شاه را به بیمارستان امام رضا در خاطرها زنده کردند، چاقوکاران مزدور ارتجاع نیز خواهند توانست منافع مرتجعین و سازشکاران و امپریالیستها را تأمین نمایند. ولی هیبت! زیرا که جهان را حساب و کتاب است، و حق و حقیقتی در کار است. ما در آینده گزارشات مفصل‌تر همراه با عکس چاپ خواهیم کرد.

دادگاه‌ها و دفاعیات مجاهدین خلق

آنها که راه جهاد را گشودند

اللهم بلی الا تخلق الارض من قائم لله حججه، اما ظاهرا "مشهور" و اما خائفا "مغمورا"، انلا تبطل حجج الله و بیاتته، و کم ذا و این اولئک؟ اولئک - واللہ - الاقلون عدا"، ، والا عظمون عند اللہ قدر".....

خدا را زمین از بیستازان الهی و کسانی که دین خدا را بر ما می‌دارند، مرکز خالی نمی‌ماند، (اینها) با آنگار و سپهر و با خائف و بیجان (مناسبت با شرایط اجتماعی مبارزه می‌کند) (هدفشان انست که) حجت‌ها و سببها و آيات روس خدا از بین برود. اینها جقدرند و کجاند؟ به خدا قسم به لحاظ کمیت بسیار اندکند، اما به لحاظ کیفیت و بزرگی در ببرد خدا بسیار بزرگوار و براج و سزایند. روز ۳۰ فروردین سالگرد شهادت جند مجاهد دلیر خلق از جمله ناصر صدیق، علی باکری، علی مهبدوست و محمد بازرگانی است، آتیه‌ای که از دل سپهای تاریک این خلق سر برآوردند و پس از اسارت و

وظایف اتحادیه‌ی انقلابی شوراهای "صنایع مشابه"

در هفته‌های گذشته در راه‌ی لروم شکل اتحادیه‌ی سوراها و وظائف این اتحادیه‌ها سازان دانسم، اکنون با آخرین تصمیمات فالد نوجده فرمائید.

سورانی مرک از ۵ نفر سنجین جمع عمومی نیاسنگان، که از بوس - برین و با صلاحیت‌ترین افراد معتقد بقیه در صفحه ۳

اطلا عیبه‌ی مجاهدین خلق ایران شاخه‌ی خراسان

درباره‌ی حملات بی‌شرمانه و وحشیانه‌ی مشتی چاقوکار به مراکز مجاهدین و

مجرور شدن صدها تن و شهادت حداقل یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظرو ما بدلوا تبدیلا .

مردم دلیر ایران، همشهریان انقلابی در شرایطی که کشور ما از هر طرف مورد تهاجم شیطان بزرگ امپریالیزم آمریکا است و هر نوع تفرقه و تشتت خیانت به خلق و ضدیت با انقلاب رهائی بخش ضد امپریالیستی اسلامی خلق ما به حساب می‌آید، مشتی اوایش اخیر شده به وسیله‌ی چهره‌های معلوم الحال در این دو روز خواهران و برادران ما را که در ساختمان‌های مجاهدین خلق در مشهد مشغول فعالیت‌های سیاسی خود بودند، وحشیانه مورد حمله و هجوم قرار دادند. و در نتیجه صدها زخمی و لااقل یک نفر شهید به جا گذاشتند و به حق روی چماق داران آریامهری را سفید کردند.

این روزها اوایش چماق‌دار از فضای بهم ریخته‌ی مربوط به اشغال مراکز آموزشی استفاده کرده و دیروز صبح پس از حمله به دانشگاه و مجروح کردن بیش از صد تن از برادران و خواهران دانشجویان و مجروح شدن صدها تن از اعضای مجاهدین خلق یورش بردند. و این در شرایطی است که آقای رئیس جمهور صریحا "اعلام کردند، ساله دانشگاهها ربطی به فعالیت آزاد سیاسی احزاب و گروهها ندارد. مقاومت قهرمانانه‌ی خواهران و برادران ما که برای جلوگیری از تشدید آشوب با صبر انقلابی عمیق و متانت و بردباری همراه بود، باعث شد که دیشب با دادن صد و پنجاه زخمی از اشغال شدن ساختمان‌ها جلوگیری کنند.

ما از همان ساعات اول با مقامات رسمی تماس گرفته‌ایم از آنها خواستیم تا با شیوه‌های قانونی جلوی مشتی اوایش یا عناصر ناآگاه را بگیرند، امروز صبح به دنبال مذاکره با آقای استاندار و مقام بقیه در صفحه ۲

در حاشیه کنفرانس استانداران

استادان اساتیدند؟! در هر حال سبب شده است که در شرایط شهادت دهنده صحنه‌های جهاجوار و ضرورت سنج مردم از هم در بست درهای بسته تبادل نظرها صورت گیرد و تصمیمات گرفته شود. نه راسی چرا خبرکارها به این جلسات دعوت نمی‌شوند؟ و چرا صورت جلسات آنها استراحتی باشد؟ اسدوارم که اگر کسی در این خصوص بر مسائلی واقع شده باشد در جریان قرار دهد و ما هم اثر مطلبی دست نامم حسن خواهم کرد.

پیام تهنیت سازمان مجاهدین خلق ایران به رهبری پیروزمند "جبهه‌ی میهن پرستان زیمبا بوه"

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران

تبرخوس انقلابی به ناری صفوف متحد خلق، دروازه‌های آزادی و استقلال را به روی طغی سر سخت و نیرمان باز کند. و اسب خلق زیمبا بوه می‌رود تا دسای نوس رهائی از نند و سدهای براد برسان اسنمارکورا بحریه کند.

سازمان مجاهدین خلق ایران، این پیروزی بزرگ را به خلق قهرمان زیمبا بوه، به ویژه به زیمدگان "جبهه‌ی سپین برسان زیمبا بوه" سادامه تبرک و تهنیت می‌گوید.

جبهه‌ی سپین برسان زیمبا بوه! انقلاب شما، نه تنها هويت ملي سپین خوسباران را از استعمارگران نژاد پرست با رسانده بلکه کام برحسای بود، در جهت امحاء بعضی نژاد در صحنه‌ی ساززات جهان و خصوصا "سررس استعمار زده‌ی آفریقا.

مبارزات بی‌گیر خلق نخت سم زیمبا بوه، به خصوص بعد از سال‌های ۱۹۷۲ به حدی ارتقا یافت که همراه با سایر نهضت‌های رهائی بخش دیگر خلق‌های جهان، با ننی کلیدی بربری جوش‌ها، راه را برای رهائی تمامی بشریت از یوغ هر یوغ ظلم و ستم هموار ساخت و از این بقیه در صفحه ۲

پیام رئیس جمهور درباره تشنجات روزهای اخیر

بسم الله الرحمن الرحيم

مقصود شورای انقلاب از تصمیم صدها معاد کردن وضع و برعهده‌ی دولت کدانش تعمیرات بنادنی نظام آموزشی بوده است. در این دو سه روز گروه‌هایی به این عنوان که رئیس جمهوری و شورای انقلاب از مردم خواستند. سادهای گروه‌ها را تجلیه کنند، افراد را در برابر دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی و مراکز فعالیت گروه‌های سیاسی در خارج دانشگاه جمع می‌کنند و سرخوردگی وجود می‌آورد که محرر به ضرب و

پیام تسلیت مجاهدین خلق ایران به مردم قهرمان مشهد

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران

مجاهدین خلق ایران بدین وسیله احتمال وقوع برخی اقدامات بقیه در صفحه ۲

اطلاعهای مجاهدین خلق ایران
شاخه خراسان

درباره‌ی حملات بی‌شرمانه و وحشیانه‌ی

مشتی چماقدار به مراکز مجاهدین

و مجروح شدن صدقات

و شهادت حداقل یکی از اعضای

سازمان مجاهدین خلق ایران

داستان انقلاب مشهد می‌رفت که با حسن نیت آقای دادستانی انقلاب و صدور حکمی قانونی مبنی بر تخلیه ساختن و تصریح آزادی فعالیت سیاسی برای احزاب و گروه‌ها و منجمله مجاهدین خلق (مطابق با قانون اساسی) غائله پایان پذیرد، ولی آقای استاندار متأسفانه نه تنها کلمه‌ی در جهت حل مسأله حیوانی مسائل نگرددند بلکه با مطرح کردن مسأله‌ی «اموالی» که از سواد سلاح خارج می‌گردد (اموالی که موقع خروج از طرف ما، بورین دقیقاً بازرسی شده بود و تنها حامل یک زخمی به بیمارستان مصدق بود)، مذاکرات را بهم زده باعث تحریک و تشدید درگیری‌ها شدند و در همین حال یعنی در حالی که آقای استاندار و مقام دادستانی در داخل ساختمان بودند، عناصر چماق بدست و ایادی وابسته به امپریالیسم به داخل ساختمان ریختند و مجدداً «خواهران و برادران ما را مورد ضرب و شتم قرار دادند. اعضا و هواداران ما از این ساختمان که متعلق به یکی از مبره‌های رژیم سابق بود و مدت‌ها برای اجاره‌ی آن یا بنیاد مستضعفین در حال مذاکره بودند خارج شده و به ساختمان دوم که رسماً در اجاره بود رفتند. در این حال که هواداران قهرمان سازمان ساختمان را چون نگین در بر گرفته و از آن حمایت می‌کردند و در نتیجه حملات وحشیانه‌ی اوپاش به جانی نمی‌رسید متأسفانه گروهی از پاسداران به جای پاسداری از انقلاب به حمایت از اوپاش‌پراورد صحنه شدند و با تیراندازی هوایی و زمینی باعث مجروح شدن عده‌ای از اعضا و هواداران سازمان گردیدند. این در شرایطی بود که از داخل ساختمان با بلندگو اعلام می‌شد که ساختمان مثل تمام ساختمانهای از طرف مسئولین هستیم و ما آماده‌ی موردبازرسی قرار گرفتن ساختمان از طرف مسئولین هستیم. این بار پاسداران بدون توجه با شلیک فشرده راه را برای عناصر چماقدار باز کردند و آنها با تخریب دیوار وارد ساختمان شدند و مجدداً به ضرب و شتم اعضا و هواداران و افزودن بر تعداد مجروحین پرداختند. در همین تهاجم دوم پاسداران بود که یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران به نام شکرالله مشکین‌فام در نتیجه اصابت گلوله به سرش به شهادت پرافتخار مجاهدین خلق پیوست.

و به این ترتیب انحصارطلبان فاشیست و مزدوران واپس‌گرای امپریالیسم گامی در راه سرسپردگان آریامهری گذاشته و بازنده‌کردن خاطرهای چماقداران ولیان منفور عده‌ای از فرزندان دلیر خلق را مجروح کرده و حداقل یکی از اعضای سازمان را به شهادت رساندند. مجاهدین خلق ضمن تبریک و تسلیت این شهادت به خانواده‌ی مجاهد شهید شکرالله مشکین‌فام و همزمان دلیرش یادآور می‌شود که مرتجعین و همپالکی‌های امپریالیسم باید بدانند که تاریخ پرافتخار مجاهدین خلق سراسر پراورج و خون و شکنجه و زندان و شهادت است و ما می‌دانیم که همه‌ی اینها بهائی است که باید به خاطر دفاع از اسلام راستین و در راه رهایی خلق ایران از قید امپریالیسم و استثمار بپردازیم و بنا بر این هرگز نمانند در مقابل این فشارها دست از آرمان خویش برنخواهیم داشت بلکه خونهای نیکه در این راه از طرف مجاهدین به خلق ایران تقدیم می‌شود ما را در راهمان مصمم‌تر و استوارتر می‌کند.

مرگ بر امپریالیسم و ایادی داخلی
درد بر تمامی شهدای به خون خفته‌ی خلق
درد بر مجاهد شهید شکرالله مشکین‌فام شهید پرافتخار
مجاهدین خلق ایران - شاخه خراسان
۵۹/۱/۳۱

بیانیه‌ی اعضای هیئت علمی دانشگاه

درباره‌ی حمله اوپاش به دانشگاه تربیت معلم

به نام خدا
سایه‌ی اعضای هیئت علمی دانشگاه
حمله‌ی گروه‌های فریب‌خورد به دانشگاه تربیت معلم بعد از ظهر روز جمعه ۲۹ فروردین‌ماه که با یابی پس از نیمه شب در دانشگاه ادامه داشت، سحر به قتل یک نفر، تخریب آتش‌سوزی کتابخانه‌ی مرکزی و بعضی از آزمایشگاه‌ها شد. آنها حشرات حیران‌نایدی وارد کردند و دانشجویان را که از خانه‌ی خود دفاع می‌کردند، مورد حمله قرار دادند و پس از سیاه‌نفر را زخمی کردند.
آنها بدون رعایت دستور امام و بنایه‌ی شورای انقلاب در مورد دانشگاهها با این عمل خود می‌خواهند مبارزه‌ی ضد امپریالیستی مردم ایران را منحرف نموده و به این گونه بین مردم عرقه ایجاد نمایند.

ما اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تربیت معلم با توجه به مسئولیت خود در برابر انقلاب تکوین مردم ایران خواهان بازسازی اصولی دانشگاهها هستیم، همانطور که از اولین روزهای پس از انقلاب خود خواستار آن بوده‌ایم.
ما این حرکت را که به وسیله‌ی عده‌ای ناآگاه و بی‌فرهنگ در جهت منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است، شدیداً محکوم می‌کنیم.
مرگ بر امپریالیسم جناب‌خواهر آمریکا و مزدورانش
۵۹/۱/۳۰

اعلامیه‌ی اعضاء هیات علمی دانشگاه‌های تهران درباره‌ی حوادث اخیر در دانشگاهها

پیکاری ایدئولوژیک نگریسته است. مسئله بر سر آنست که چه کسی در آن تفوق و برتری حاصل کند. این گونه نگرش، این خطر را در پی دارد که در مورد این سؤال چنپنهاد و کدام نیرو برای ایجاد تغییرات بنیادی مطلوب در دانشگاهها اصلاح است، به خطا رفته و احیاناً دچار تنگ نظری گردیم. چنین نگرشی ممکن است به نظر تحریک آمیز جلوه کند، و باعث گردد تا هدف اصلی که همانا سکون ساختن استعدادها و افزایش قدرت تولید است، در گرماگرم یک بنکار ایدئولوژیک به خاک سپرده شود. بگذارید نام‌طور موخر نقاط نظر خود را یاد آور شویم:

۱- نظر دانش‌پژوهان و به خصوص معنوی جامعه و نامین امکانات انسانی آن مهترین وظیفه‌ی دانشگاه است، و غفلت از این وظیفه، دانشگاه را از ماهیت واقعی‌اش تهی می‌سازد. چنین رندی شرطی لازم برای رها شدن از قید وابستگی است.

۲- نظام فعلی دانشگاهی بدون تغییرات بنیادی نمی‌تواند ماهیت واقعی خویش را بیابد، باید خاطر نشان سازیم که چنین تغییراتی نمی‌تواند جدا از برنامه‌های اقتصادی دولت و کوشش واقعی وی در جهت رهایی از وابستگی میسر باشد.

۳- هر گونه تغییرات بنیادی در نظام دانشگاهی محتاج مشارکت بی‌دریغ و همه‌جانبه‌ی تمامی اشخاص دانشگاهی است. چنین مشارکتی تنها در شکل شورایی کار امکان‌پذیر است. شوراهای هماهنگی دانشگاهی که در ابتدا به صورت طبیعی و خود جوش خویشتر در در صحنه‌ی واقعیت عرضه نموده‌اند، از بزرگترین دست آوردهای انقلاب ما می‌باشند. کسانی که از نزدیک در دانشگاهها مشغول کارند، می‌دانند که ادامه‌ی کار دانشگاهها بدون این شوراهای امکان‌پذیر نیست.

این که دانشگاهها پس از انقلاب از آرامترین و فنانترین نهادها بوده‌اند، خود گواهی بر مدعای ماست.

به طور خلاصه باید بگویم که مناسبترین وسیله جهت تغییرات بنیادی در نظام آموزش عالی، تزکیه و پاکسازی، توزیع و بکار گماردن نیروهای موجود در دانشگاهها، شوراهای هماهنگی می‌باشد.

البته منظور از شوراهای هماهنگی شورایی است، منتخب از دانشجویان، کارکنان و اساتید، صحت ادعای فوق از این

ما خود صادقانه بر این امر معترفیم که نظام موجود دانشگاهی به نحوی هنوز دنباله‌ی نظام وابسته‌ی گذشته است و از این رو محتاج دگرگونی‌های بنیادی است. ما خود آگاهیم که نقش عمده‌ی دانشگاهها در گذشته برآوردن نیاز مردم محروم، شکوفان ساختن اقتصاد کشور و تعالی دانش بشری و ارزشهای انسانی نبوده است. بلکه دانشگاهها به طور عمده نظام سرمایه‌داری وابسته‌ی گذشته را توجیه می‌کردند، به باز تولید آن می‌پرداختند.

ما نه تنها بدین حقایق معترفیم، بلکه از همان ابتدای انقلاب این نقاط نظر را به انحاء گوناگون طرح و عنوان کرده‌ایم، و در صدد جارد برآمده‌ایم و به استقبال هر گونه پیام و نظر مساعد در این زمینه شناخته‌ایم.

البته چنین تحول عظیمی محتاج پایه‌های مادی جندی است که تا به حال فراهم نیامده‌اند که از اهم آنها سیاست و برنامه‌ی اقتصادی دولت است. به نظر نمی‌آید که اهداف و اولویتهای اقتصادی، اجتماعی دولت هنوز به طور روشن و دقیق عرضه شده باشد، تا دانشگاه جای خویش را در تحقق آنها بیابد.

بدینی است که اگر می‌توانستیم بیانیه‌ی اخیر شورای انقلاب را فقط و فقط به عنوان طرح لزوم تغییرات بنیادی در نظام آموزشی تلقی کنیم، جای بسی مسرت و خوشحالی بود، اما چنین استنباطی، به خصوص با در نظر گرفتن خطبه‌های نماز امام‌جمعه‌ی تهران که در آن جنبه‌ی ایدئولوژیک مسئله عمده بود، به نظر محق نمی‌آید.

دور از انصاف نیست اگر تصور شود که بیانیه‌ی اخیر شورای انقلاب وجو حاکم بر اطراف آن، به دانشگاهها صرفاً به مثابه‌ی ابزاری جهت

بقیه‌ی صفحه اول

هشدار مجاهدین خلق به...

هرج و مرج طلبانی مسلح را به اطلاع مقامات انتظامی مسئول می‌رسانند. پارهای گزارشها، چه از تهران و چه از شهرستانها حاکی از این است که دست‌های توطئه‌گر قصد آن دارند که با این قبیل حرکات فضای سیاسی را آلوده نموده و جو تشنج و خشونت را دامن بزنند. نکته‌ی مهمتر اینست که می‌خواهند، طی این گونه اعمال منجمله مجاهدین یا هواداران ما را مقصر و مسبب معرفی نموده‌ان. گاه تهاجمات بعدی خود را موجه نشان بدهند. دست زدن به ترور و غارت، یا قتل افراد (که به نظر می‌رسد یک نمونه‌ی آن در تهران اتفاق افتاده است)، هجوم مسلحانه به اجتماعات در راهپیماییها (نمونه‌ی جهرم) و اقدام به انفجار و بمب گذاری (نمونه ناموفق یکی از مدارس عالی تهران که توسط دانشجویان مسلمان افشاء شد)، از این قبیل است.

صرف نظر از عملگردهای مجاهدین خلق ایران و هواداران نشان در تمامی دوره‌ی بعد از انقلاب که به عکس با این گونه اقدامات بیگانه است، ما با یقین به حد اکثر بردباری انقلابی خود و هوادارانمان که در دوره‌ی مورد بحث به اثبات رسیده و به تحمل فوق‌العاده‌ی همه‌ی ناامنیات منجر شده است، بار دیگر بر غیر مسلح بودن تمام دفا‌ت‌مان در سراسر کشور تأکید نموده و مقامات مسئول را هم چنان به هر گونه تحقیق و بازدید مجاز می‌دانیم. بنابراین امیدواریم که مقامات مسئول به ویژه مسئولان انتظامی کشور هشدار حاضر را به منظور خنثی نمودن هر گونه تشنج و درگیری و خونریزی جدی تلقی کنند. و در همین جا از رادیو تلویزیون نیز تقاضا می‌کنیم، تا چنانچه خواستار آرامش و عقیم ماندن توطئه‌ها است به قرائت اعلامیه‌ی حاضر در اولین فرصت مبادرت ورزد.

مجاهدین خلق ایران
۵۹/۱/۳۱

پیام رئیس‌جمهور درباره‌ی تشنجات...

انقلابی تلقی می‌شود. ۳- مردم کشور باید مراقب ۲- در خارج دانشگاه اقدام به هر گونه تجمع و حمله به مراکز سازمان‌های سیاسی، توطئه بر ضد دولت انقلاب و تضعیف جنبه‌ی داخلی ما در برابر آمریکای سلطه‌گر است. هر محلی که خارج از دانشگاه تصرف شده، باید فوراً تخلیه گردد.

رئیس‌جمهور منتخب مردم
ابوالحسن بنی‌صدر

جهت نیز به حوسه‌ی آشکار است که یکایک جانسین‌های منصور برای انجام مقاصد بالا از حمله دانشجویان و اساتذانی که در برخی از سازمان‌های اسلامی متشکلاند، خود جزئی از نیروهای تشکیل دهنده‌ی شوراهای موجود هستند. چنانچه شوراهای را به این دلیل که تا به حال موفق به تحقق مقاصد فوق نبوده‌اند، اصولاً قادر به جنس کارهایی ندانیم، بایستی به طریق اولی همس نظارت را در مورد جانسین‌های احتمالی شورا نیز صادق بدانیم.

۴- دانشگاهیان و به خصوص دانشجویان از ارتباط بین رشد مادی و معنوی جامعه و نحوه و میزان بهره‌وری افسار محلف از جنس برخی مناسبات تولیدی محبط رست و بقای امپریالیست است. از این روست که آنان سنه‌ی آگاهی ساسی‌اند. بدین جهت دانشجویان طالب محیطی آزاد برای تبادل افکار ساسی در دانشگاهند.

ما اعتقاد راسخ داریم که آزادی بیان و اندیشه و سرخسورد آرا، و عقاید با آن‌ها که به آموزش لطمه نزنند، باید محرم نموده شود. تحسین این که از حد نقطه‌ی به بدجنس آزادی‌هایی سخل آموزش است، باید بر عهده‌ی شوراهای دانشگاهها گذارده شود. لازم به تذکر است که آزادی‌های موجود با به حال جنس لطمه‌ای به برنامه‌های آموزشی وارد نگردد.

با توجه به مطالب فوق، نظر به مسئولیت خطیری که در قبال حامید بر عهده‌ی ماست، به صراحت خاطر نشان می‌سازیم که محدود آزادی‌های دانشگاهی، و سیر ایجاد تغییرات در دانشگاهها از مجرای حر شوراهای واقعی نه تنها برای دانشگاهیان قابل قبول نیست، بلکه عملی هم نمی‌باشد.

چنانچه در دل به رشد نیروهای مادی و معنوی جامعه و به مبارزه‌ی بیکر و متحد صد امپریالیستی به منظور قطع رسته‌های وابستگی عشق می‌ورزیم، باید کوشش کنیم تا مسائل دانشگاهی را با در نظر گرفتن دو نکته فوق‌الذکر حل کنیم.

لذاست که تقاضا داریم بنایه‌ی اخیر شورای انقلاب ندیا به عنوان پیشنهادی به شوراهای دانشگاهها تلقی شود و نه به عنوان دستوری لازم‌الاجرا.

به امید آن که سارزات صد امپریالیستی مردم مبارز ما هر چه پیگیرتر ادامه یابد، و به امید شکوفایی هر چه بیشتر نیروهای مادی و معنوی جامعه.

پیام تهنیت سازمان مجاهدین...

بظور است که سارزات خلق قهرمان زرمیابوه را جدا از مبارزات سایر خلقها و همسن طور خلق قهرمان ایران نمی‌دانیم. چرا که اشراک مساعی همدی امپریالیستها بر علیه خلق‌های تحت ستم، لزوماً همدی سارزات صد امپریالیستی خلقها را در یک سیر تراز داده است. اسک ما در سرناطی خود را در بیروزی‌های سما سهم می‌دانیم که خلق ما به رهبری امام خمینی، پس از سقوط رژیم وابسته‌ی شاه، وارد مرحله‌ی جدیدی از مبارزات ضد امپریالیستی خود شده است و این در حالی است که امپریالیسم همواره نشان داده که با نیکه بر نیروهای وابسگرا و سازسگران داخلی و از طریق انزوله کردن نیروهای انقلابی قادر خواهد بود، سلطه‌ی خود را ادامه دهد، اما تجربه‌ی پر بار یک سال گذشته‌ی خلق زرمیابوه نشان داد که با هوسپاری انقلابی می‌توان بر ایادی‌وسر سپردگان داخلی امپریالیسم پیروز گشت. فراموش نگردیم که رهبری جبهه‌ی سپهن پوسان زرمیابوه سال ۱۹۷۹ را "سال طوفان خلق" خواند. طوفانی که دیدیم چگونه بنای بوسنده‌ی دو قرن استعمار و سلطه‌ی امپریالیست‌های نژاد پرست را سرانجام درهم کوبید و خلق شما را در سرفصل آزادی، استقلال و سازسندگی قرارداد. بیروزی این "طوفان" حقیقتی است انکار ناپذیر که رسته در اعناق حقایق جهان دارد. حقیقتی که هم اینک خلق‌های دیگر جهان به همراه خلق‌های ایران و زرمیابوه "سال‌های طوفانی" خویش را آغاز کرده‌اند.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های جهان
بر قرار باد بیوند انقلابی جنبش‌های آزادببخش
مجاهدین خلق ایران
۲۶ / فروردین / ۱۳۵۹

آنها که راه جهاد را گشودند

بقیه از صفحه اول

خر مهرهها را با وقتی به نام صدف و بروارید و احساس اعلا می توان به جامعه تائب کرد که جامعه با واقعات و حقایق و املها آشنا نباشد. خلاق بگذارید این حماسه آفرینان سبهای طلسمی این خلق را نادیده نگیرند و مارک النفاطی و منافق و ... بزنند، بگذارید، مذاکرات آنها را از انقلاب سکومسد خلقمان کتمان ننمایند. اگر حق و حقیقتی و حجاب و کثافتی بر جهان هستی حاکم است، بیایم! این حق است که از میان کفهای باطل سر می کند و باطل را با هستی واقعی خود محو می کند. *قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا* فاما الزید فذهب حقا" و اما ما یبقع الناس فیمکت فی الارض".

کمال حرکتی خلاق و پر جوش و خروش و شادمانی است، که بیان رودی خروشان از دور دستها و از اعناق هستی با غرور و غرش کمان روان بوده و خواهد بود، در مسر این رود خروشان هر لحظه پدیده‌ی بوسی از دل بنده‌های کهنه بیرون می چید. که با تراز گرمس در نوک بیگان نکامل سمت و جهت نکامل را برسم و آن را راهبری می نماید. آن چه که در این مسر قابل مامل است حرکت بی وقعه و سکون نابد بر آن می باشد. هیچ چیز نمی تواند مانع حرکت این رودخانه‌ی خاودان گردد. لذا هر پدیده‌ای با باید خود را با جهت نکامل تطبیق دهد، تا در زبر حرکت بر نلاطم آن له گردد و از گردویی نکامل خارج شود. انسان که صاحب اراده و آزادی است، در مقطعی در نوک بیگان نکامل قرار می گیرد. او بر خلاف پدیده‌های قبل از خودش حرکتش بر سبای آگاهی و احساس است، و باید این مسر را خود آگاهانه طی نماید. بنابراین سدهای راه خدا و خلق باید از طریق خود او، و بد وسیله‌ی ویژگی‌هایش برداشته شود، چرا که تنها به او امانت الهی سپرده شده است.

انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحتملنها و اشفقن منها و حملها الانسان ... در سان همه‌ی این امانتداران بالقوه تنها عده‌ی للیل و کوچکی هستند که در مقاطع مشخص تاریخ به ویژه در شرایط سخت و دشوار به طور بالفعل از این امانت پاسداران می کنند، و مردانه آن را بر دوش می کنند؛ خود می زنند اما از برپو و نور خود دیگران را بهره مند می سازند؛ خود فدا می شوند، تا به خلقی حیات و عزت بخشد. اینها اخبران ناباک در دل سبهای تاریک یک خلق هستند که می درخشند و با بخت و استوار امواج نورانی خود به دیگران راه می نمایند، و از همه همسر پیساز نکامل می شوند.

لازمه‌ی استعمار و پیسرد امر نکامل چیزی جز مبارزه‌ی بی امان در هر شرایط اجتماعی نیست؛ و انسان - جندی بود، به سردی و خاموشی هابی بوده و هستند که این بار را گزاشده بود، روشن نمودند. از طرف هرگز به زمین نگذاشته و حتی در سخت ترین شرایط هم چنان بر مواضع خودشان پایدار ماندند، *اما* برده که عملا " با شیوه‌های گذشته‌ی ظاهرا "مشهور" و *اما* خائفا "مغمور" مبارزانی دیگر هیچ حرکتی امکان زبرا از نظر آنها، آن چه مهم - پذیر نبود. پیچیده تر بودن است شکسته شدن بن بستها، و ساواک، اجزای و دستجات راهمایی انسانها به سعادت و تحقق رفورمیست را به سهولت ضربه پذیر وعده‌های الله است؛ راهی که و نفوذ پذیر کرده بود، به طوری که نیازمند به فدا کردن و قربانی بعد از مدت کوتاهی با طومار زندگی دادن‌های بسیار می باشد.

مجاهدین شهید چنین حرکت لاکبشتی خود را ادامه انسان‌هایی بودند، آن زمان که می دادند، که طبعاً " خطر آن چنانی اسلام علی و حسین در جامعه برای سیستم محسوب نمی شدند. فراموش شده بود، آن زمان که قرآن علاوه بر اینها! سکجه‌های تنها در سربستانها و مجالس عمومی و حجابی ساواک موی بر اندام مردم عزا حضور داشت، و آن زمان که از راست می کند. شرح جلا‌دی‌های نهج‌البلاغه علی، کمتر نامی هم برده ساواک در همه جا نقل می شود، به

وظایف اتحادیه‌ی شوراهای "صنایع مشابه"

ب - احکام کلیه امور مالی واداری اتحادیه. نظارت کنسیدی مزبور به معنی این است که هرگونه تغییر و تحولی در حوزه‌ی وظایف و تفریبات از نظر اتحادیه معسر باید که نیز این کنسه را دانسد است.

ج - کمک در ایجاد و اداره‌ی صندوق دسترکدخمره برای مواقع اضطراری.

د - ماسن مالی اتحادیه از طریق صندوق مالی شوراهای عضو - ترک در اداره‌ی بانک رفاه کارگران.

ه - برگزاری مراسم محفل کارگری به ویژه حسن روز کارگر (اول ماه مه) در جهت بالا بردن آگاهی‌های سیاسی و همسنگی بسیر طبقه‌ی کارگر.

د - اقدام به اسرار بسری اتحادیه و کمک به اسرار سربات داخلی واحدهای تابعه.

ه - کمک در ایجاد کتابخانه، بسرب سحرمانی، ماسن فیلم و اسلاید، چاپ و بختی اعلامیه و بوسر وکت مقصد.

و - ارتباط با مراکز فرهنگی و استفاده از امکانات آنها بر طبق اساسنامه.

ز - برگزاری مراسم محفل کارگری به ویژه حسن روز کارگر (اول ماه مه) در جهت بالا بردن آگاهی‌های سیاسی و همسنگی بسیر طبقه‌ی کارگر.

۵- کمیته روابط خارجی

الف - ایجاد ارتباط فعال با وزارتخانه‌ها، سازمانها و مراجع دولتی و غیر دولتی که به نحوی به امور اتحادیه مربوط می شود.

ب - برقراری ارتباط فعال با مراجع مختلف حقوقی، دولتی و غیر دولتی به منظور تدوین و اجرا قوانین و مقررات و حل مسائل کارکنان و کارخانجات و بر آوردن نیازهای اتحادیه.

ج - برقراری ارتباط با سربکتهای خارجی برای ماملین نیاز واحدهای تابعه از طریق مراجع دولتی.

د - برقراری ارتباط فعال با گروهها، سازمانها و جمعیت‌های سیاسی در جهت ارتقاء دانش سیاسی - ایدئولوژیک کارکنان واحدهای تابعه و پیسرد اهداف اتحادیه.

ه - تلاش در برقراری رابطه با اتحادیه‌ها و سازمان‌های انقلابی کارگران در جهت اهداف اتحادیه.

و - جهت دادن و دفاع از مبارزات صنفی و سیاسی کارگران.

ز - ارتباط با اتحادیه‌ها و سازمان‌های انقلابی کارگران در جهت اهداف اتحادیه.

ح - زمسده سازی برای ایجاد اتحادیه‌ی سراسری شوراهای کارگران ایران.

ط - معرفی سخنگوی اتحادیه با بصوبت شورای مرکزی.

ی - بحث با درباره‌ی اتحادیه‌ها در این جا به پایان رسید، در این بحث ما ابتدا به ضرورت نکسلات عالی‌تر و گسردمتر کارگری اشاره کردیم. پس از آن به جنبش اتحادیه‌ای در جهان نظری افکندیم، تا بتوانیم از تجارب سایر جنبش‌های کارگری به مقتضای شرایط زمانی و مکانی خود بهترین استفاده را بکنیم. سپس اتحادیه‌های انقلابی و اتحادیه‌های انحرافی و غلج انحراف اتحادیه‌ها را بررسی کردیم تا گامینه ضرورت نبودن بین اتحادیه‌ها و سایر نکسلات کارگری با سازمانهای مسلح به ایدئولوژی ضد استناری برداخسیم و در آخر با طرح و بررسی اهداف اتحادیه انقلابی شوراهای طرف سربکله، "اتحادیه‌ی انقلابی شوراهای صنایع مشابه" دانسیم.

در این شماره نیز وظایف و سازمان آن را مورد بحث قرار دادیم. بدیهی است در اولین گامها، در راه تشکیل اتحادیه‌هایی با این ویژگی‌ها موانع بسیاری را در پیم خواهیم داشت و به طور مسلم در جریان عمل با نکسلات و مسائل زیادی روبه رو خواهیم شد، مسکله‌ی که در جریان انطباق این طرح با زمینه‌های عینی آن بایستی حل شود، البته انطباق عملی آن با خصوصیات مختلف هر صنعت موصح و کار بسنری را می طلبد. امیدوارم در فرصتهای آینده رهنمودها و توضیحات بسیری را برامون اتحادیه انقلابی شوراهای صنایع مشابه بدهیم.

(پایان)

۶- کمیته امور فنی و حرفه‌ای

الف - ارتباط با مراکز علمی، تحقیقاتی و صنعتی به منظور بسیر تولید بر اساس برنامه‌ریزی مرکز. ب - کوشش در تعمیر و تکمیل ابزارهای تولید در جهت تبدیل صنایع مونتاژ به صنایع تولیدکننده‌ی کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه. ج - سربکتر در گسروش واحدهای تولیدی کوچک در روساها. د - استفاده از تخصص تکنیکی در جهت تکمیل نیازهای فنی واحدهای مشابه تابعه. ه - نظارت بر خرید ماسن - آلات ضروری واحدهای تابعه. و - استفاده از تخصص تکنیکی در جهت تکمیل نیازهای فنی واحدهای مشابه تابعه.

۷- کمیته امور حقوقی

الف - نظارت بر حدود مالکیت و سرمایه به منظور پیسرد نظام اقتصادی جامعه در جهت نظام ضد استناری بوحیدی. ب - سربکتر در تدوین نظام ماسن دستمزد بر اساس آیدی "لیس للانسان الا ما سعی" و اختصاص سود کارخانجات به کارگران به عنوان بجلی دسترخ آنها. ج - سربکتر در تدوین قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌های مربوط به کارکنان و کارمندان در زمینه‌های رفاهی، انصادی، احساسی و سیاسی. مانند: قانون کار، قوانین مربوط به ماملین احساسی رایگان، مقررات امنی و حفاظتی، آئین نامه اضبط داخلی. د - سربکتر در سببات‌های حل اختلافات و بازرسی. ه - اتمام هر گونه دعوا له و علیه اتحادیه با شوراهای واحدهای تابعه از طریق قانونی. و - بررسی کلی و مسمر مسائل حقوقی مربوط به قراردادهای با سربک - های داخلی و خارجی.

۸- کمیته تنظیمات و حفاظت

الف - ایجاد و کنترل سیستم انطباقی و حفاظت در کلیه واحدهای اتحادیه مرکب از کارگران. ب - ایجاد سیستمی که بتواند برنامه‌های آموزشی نظامی برای کارکنان و کارمندان ارائه داده با آنها را برای هر گونه دفاع از دست - آوردهای انقلاب و مقاومت در برابر هجوم عوامل ضد انقلاب و واسگرا آماده سازد.

۹- کمیته روابط داخلی

الف - نظارت و کنترل بر امور داخلی شوراهای، جلوگیری از انحراف، تکمیل و تصحیح نقائص و ضعفها. ب - تلاش در جهت ایجاد شوراهای واقعی در صنایع مشابه عضو اتحادیه.

ج - تنظیم صوابط و مقررات

ب - احکام کلیه امور مالی واداری اتحادیه. نظارت کنسیدی مزبور به معنی این است که هرگونه تغییر و تحولی در حوزه‌ی وظایف و تفریبات از نظر اتحادیه معسر باید که نیز این کنسه را دانسد است.

ج - کمک در ایجاد و اداره‌ی صندوق دسترکدخمره برای مواقع اضطراری.

د - ماسن مالی اتحادیه از طریق صندوق مالی شوراهای عضو - ترک در اداره‌ی بانک رفاه کارگران.

ه - برگزاری مراسم محفل کارگری به ویژه حسن روز کارگر (اول ماه مه) در جهت بالا بردن آگاهی‌های سیاسی و همسنگی بسیر طبقه‌ی کارگر.

۳- کمیته مسکن و تعاونی

الف - سربکتر در برنامه‌ریزی برای حل مسئله‌ی مسکن (کوبانه‌مدت و بلند مدت). ب - نظارت بر پرداخت حق مسکن کارکنان و کارمندان بر اساس نرخ متوسط هر زمسه‌ی مسکن، مناسب با نیاز یک خانواده‌ی کارگر ایرانی. پرداخت حق مسکن با حل قطعی مسئله‌ی مسکن کارکنان ادامه خواهد یافت. ج - سربکتر در برنامه‌ریزی ایجاد و اداره‌ی تعاونی‌های محفل کارکنان و گسروش آن در جهت استفاده‌ی عمومی مردم.

۴- کمیته ماملین اجتماع

الف - نظارت بر امور ماملین احساسی از قبیل درمان، بیمه‌های مختلف، از جمله بیمه‌ی بیماری، بازرسی و رفاه کارکنان که باید به طور رایگان توسط دولت عملی شود. ب - تلاش در بسیر بهداشت و امنی محیط کار بر اساس صوابطی که کنسیدی حقوقی ارائه می دهد در کلیه واحدهای تابعه. ج - نظارت بر اجرای صحیح مقررات امور رفاهی از قبیل غذا و سروس رفت و آمد.

۵- کمیته آموزش و فرهنگی

الف - نظارت بر امور ماملین احساسی از قبیل درمان، بیمه‌های مختلف، از جمله بیمه‌ی بیماری، بازرسی و رفاه کارکنان که باید به طور رایگان توسط دولت عملی شود. ب - تلاش در بسیر بهداشت و امنی محیط کار بر اساس صوابطی که کنسیدی حقوقی ارائه می دهد در کلیه واحدهای تابعه. ج - نظارت بر اجرای صحیح مقررات امور رفاهی از قبیل غذا و سروس رفت و آمد.

طوری که افراد دستگیر شده و زندان رفته و سکجه سده‌ها با ابودر و بلال سقایسه می کنند و از مقاومت آنها حاسه‌ها می سازند، و راستی چه کسی است که سکجه‌های آریابهری را فراموش کند؟ سکجه‌هایی که مرسیا" با کمک اربابان اسرائیلی و آمریکائش سخت تر و پیچیده تر می شود، ساعتها کابل زندن به کف باها و بدن، به آبولوسین، کسیدن ناخن، سوزاندن، آوزان کردن و ... گونه‌های از کلکسیون سکجه‌های آریابهری است.

۲- بد لحاظ اعتقادی و ایدئولوژیک

به علت سکته‌های موالی و بی دربی مبارزات اجتماعی جامعه، و نیز به علت حاکمیت مذهب سنتی در جامعه و فقدان دیدگاه ضد استناری بوحیدی و به عبارت دیگر

اجتماعی - مبارزاتی

مجاهدین در شرایطی بسیار خاسند که جامعه را سکون مبارزاتی فراگرفته بود و یکی از دورانیهای سباه بی حرکتی و سکون را طی می کردیم. آخر بعد از سربکوب خوسن ۱۵ خرداد هر گونه حرکتی از مردم سلب شده بود، در مقابل قدرت و تجهیزات رژیم، سبندمان احساس ضعف و عدم قدرت و توانایی می شد. مسئله‌ای که با یک دید سطحی و صوری در مقابل رژیم نا دندان مسلح درست هم جلوه می نمود، اما به آن چیزی که بوجه ندانسد، قدرت و اراده‌ی لاینزال بوده‌های مردم بود.

در آن شرایط برس از رژیم، بساری را میبوت و مسحور کرده بود. قدرت یلسی، نظامی و سربکوب *انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحتملنها و اشفقن منها و حملها الانسان* ... در سان همه‌ی این امانتداران بالقوه تنها عده‌ی للیل و کوچکی هستند که در مقاطع مشخص تاریخ به ویژه در شرایط سخت و دشوار به طور بالفعل از این امانت پاسداران می کنند، و مردانه آن را بر دوش می کنند؛ خود می زنند اما از برپو و نور خود دیگران را بهره مند می سازند؛ خود فدا می شوند، تا به خلقی حیات و عزت بخشد. اینها اخبران ناباک در دل سبهای تاریک یک خلق هستند که می درخشند و با بخت و استوار امواج نورانی خود به دیگران راه می نمایند، و از همه همسر پیساز نکامل می شوند.

لازمه‌ی استعمار و پیسرد امر نکامل چیزی جز مبارزه‌ی بی امان در هر شرایط اجتماعی نیست؛ و انسان - جندی بود، به سردی و خاموشی هابی بوده و هستند که این بار را گزاشده بود، روشن نمودند. از طرف هرگز به زمین نگذاشته و حتی در سخت ترین شرایط هم چنان بر مواضع خودشان پایدار ماندند، *اما* برده که عملا " با شیوه‌های گذشته‌ی ظاهرا "مشهور" و *اما* خائفا "مغمور" مبارزانی دیگر هیچ حرکتی امکان زبرا از نظر آنها، آن چه مهم - پذیر نبود. پیچیده تر بودن است شکسته شدن بن بستها، و ساواک، اجزای و دستجات راهمایی انسانها به سعادت و تحقق رفورمیست را به سهولت ضربه پذیر وعده‌های الله است؛ راهی که و نفوذ پذیر کرده بود، به طوری که نیازمند به فدا کردن و قربانی بعد از مدت کوتاهی با طومار زندگی دادن‌های بسیار می باشد.

مجاهدین شهید چنین حرکت لاکبشتی خود را ادامه انسان‌هایی بودند، آن زمان که می دادند، که طبعاً " خطر آن چنانی اسلام علی و حسین در جامعه برای سیستم محسوب نمی شدند. فراموش شده بود، آن زمان که قرآن علاوه بر اینها! سکجه‌های تنها در سربستانها و مجالس عمومی و حجابی ساواک موی بر اندام مردم عزا حضور داشت، و آن زمان که از راست می کند. شرح جلا‌دی‌های نهج‌البلاغه علی، کمتر نامی هم برده ساواک در همه جا نقل می شود، به

کمیته‌ی سازماندهی تولید و مصرف

الف - کمک در بسیر مواد و توزیع محصولات واحدها و سعی در جهت خودکفایی داخلی. ب - سربکتر در برنامه‌ریزی انصادی در جهت رفع نیازهای اساسی جامعه. ج - ارتباط با مراجع مختلف دولتی به منظور هماهنگی برنامه‌ریزی تولید و مصرف. د - هماهنگ کردن امور تولید واحدهای تابعه. ه - اقدام در جهت استقرار سبکی سراسری توزیع با سبکگذاری ثابت از طریق تعاونیهای سراسری

۳- کمیته امور مالی واداری

الف - نظارت بر کلیه مسائل مالی و حسابداری و اداری مثل خرید، فروش و سود و زیان حقوق کارکنان و کارمندان؛ استخدام واحدهای تابعه اتحادیه. ب - اقدام در جهت استقرار سبکی سراسری توزیع با سبکگذاری ثابت از طریق تعاونیهای سراسری

نگاهی به اخبار و رویدادها

دشمن اصلی کیست؟

حضور انقلابیون در قلب خلقها، همواره موجبات نگرانی امپریالیسم و ایدئیش را فراهم ساخته است. چرا که بر اساس سنت تاریخ، هر حمایت توده‌های گامی است فراتر در میرایی امپریالیسم و ارتجاع.

بنا بر این امپریالیستها تلاش می‌کنند که با نزدیکی به سازشکاران جاده‌ی ورود خود را صاف و هموار نمایند و از طریق ایجاد جو بدبینی و "یا"س تفرقه بین نیروها را بوجود آورند تا دشمن اصلی فراموش نشود و تضادهای فرعی جایگزین تضاد اصلی شود.

عصری گمشده انقلابیون در چشم انداز تابناکی از پیروزی، به مبارزه با دشمن اصلی خلقها برخاسته‌اند و می‌روند تا از هر سرزمین شتم-زده‌ای، ویتنام دیگری سازند. و هر جامعه‌ای را به گور امپریالیستها و سازشکاران و مرتجعین تبدیل نمایند.

۵ * خبرگزاری پارس (فروردین) - * خبرگزاری پارس (فروردین) - قطعنامه‌ی راه‌پیمایی علیه فرار شاه به مصر... ما از گروه‌هایی که از آغاز پیروزی انقلاب جز کارشکنی و توطئه‌های مافعا کار نکردند، می‌خواهیم... خط مشی‌هایی را که بهائیان و اهداف امپریالیستی شرق و غرب می‌آحاد... ترک نمایند و گره در جهت خلاف حرکت انقلاب خواهند بود.

برای مهاجمین تحریک شده، مسئله ساختن آجازه‌ای یا غیرآجازه‌ای مطرح نیست و آنها دستور دارند، به هر قیمتی که شده کار را به آخر برسانند. بنابراین حملات با عدت بیشتر به این ساختمان نیز شروع می‌شود - برادران و خواهران سعی می‌کنند با ایجاد حلقه‌ی زنجیری از خانه‌ی خودشان محافظت کنند ولی شدت حملات هر لحظه آنها را به عقب می‌راند. اوپاش بر بالای پشت‌بامها نیز حضور دارند و متأسفانه برخی پاسداران از آنها حمایت کرده و علا راه را برای آنها می‌کشایند، در این هنگام تیواندازی نیز از طرف پاسداران شروع می‌شود. تعدادی آموالانس برادران و خواهران زخمی را به بیمارستان‌های رساندند و متعاقب این تیرانداریها برادر شکرالله مشکین فام به شهادت می‌رسد و از دیگر شهدای احتمالی خبر دقیقی در دست نیست. با اوج گیری حملات و تیرانداریها و بالاگرفتن تعداد زخمی‌ها اوپاش موفق می‌شوند با خراب کردن دیوار وارد ساختمان مفر مجاهدین خلق شده و با چوب و چماق و جاقوه به جان برادران و خواهران ما افتادند و سرانجام آن را به تصرف خود درآوردند. دسروز بیمارستان‌های مصدق و امام‌رضا و امداد پزشکی مجاهدین بر از محرومین و مصدومین این حادثه بود.

یک شهید و صدها زخمی...

سنگرش خیابان بهشت مشهد را رنگین نمود. حوادث دسروزمشهد ثابت کرد که فی الواقع چماق‌داران و واپسگرایان از شعار انقلاب برهنگی چه چیزی را جستجو می‌کردند. و باز ثابت کرد که همچون قائم شهر و شهرهای دیگر وقتی با کمال‌تافت دست عده‌ای از مقامات مسئول در کار باشد، هیچ فریاد نظم‌خواهی و حق‌طلبانه به جایی نخواهد رسید. فاجعه‌ی دسروز مشهد بار دیگر هشدار همیشگی مجاهدین خلق را ثابت نمود که موضوعی برخی مقامات مسئول، از عوامل اصلی ایجاد حوادث است. در مشهد علیرغم تلاشهای فائوسی دادستانی انقلاب، کارشکنی اساندار و دیگران به ریخته شدن خون یک نفر انجامید. به راستی ریشه‌ی این جفاکاریها کجاست؟ که اعلامیه‌ی شورای کسارگران سلاح کوشندی کشتارگاه مشهد دقت کنید. چه دستپاچی و با چه اهدافی این افراد را علیه مجاهدین خلق استخدام نمودند؟ ما از آنها روانه می‌سازند؟ ما از پاسداران می‌پرسم، اگر در اطلاعیه‌ی خود می‌نویسید، تیراندازی نکرده‌اید؟ پس تیرخوردگان دسروز مشهد با تیر چه کسی زخمی شده‌اند؟ کدام گلوله مفر برادر مشکین فام را متلاشی کرد؟ آیا پاسداران هیچگونه مسئولیتی در قبال عناصر معلوم الحال که در مقابل چشم آنها و باطمینان از حمایت آنها به بالای پشت‌بام و دیوارهای مردم رفت‌اند، نداشتند؟ آیا فریاد آن مادر را نشنیدند که بر سر ویسه زبان فریاد می‌زد: آیا این است اسلام؟ این است مسلمانی؟ مگر مجاهدین خلق بارها ساختمانهای

آری، قضاوت را به تاریخ می‌گذاریم و می‌دانیم همان طور که قرآن وعده داده و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون. آنچه در این جا می‌بایست اشاره کرد، اینست که همانطورکه مجاهدین خلق در مقابل اجرای قانون، مطیع‌اند ولی هیچ عاملی از قبیل حرکات این چماق‌داران مردور و محرکین معلوم الحال آن، نخواهد توانست. آنان را از تبلیغ اسلام راستین و مبارزه با آمریکا باز دارد، نظری به گذشته‌ی خونبار این سازمان به خوبی این مطلب را روشن می‌کند، رنج و شکنجه و شهادت و زندان ما مجاهد خلق فرین، و آنچه این معضلات را بر آنها هموار و گوارا می‌سازد، عشق به مکتب، عشق به خدا و خلق می‌باشد.

اطلاعه : به سبب کمبود امکانات و پیش آمدن اشکالات فنی عرضه‌ی سوارهای سروردها و اشعار انقلابی مجاهدین خلق به تعویق افتاد و در صورت روال عادی گل نوارها از روز شنبه عرضه می شود.

و هم چنین سه سال بعد برادر مجاهد کاظم ذوالنوار و مصطفی جوان خوشدل همراه هفت نفر مبارز دیگر توسط جلاوران ساواک در تپه‌های اوین به ضرب گلوله از پای درآمدند. و هم اکنون نیز بعد از یک سال که از سقوط رژیم آریامهری می‌گذرد، نیز دوباره برادر شهیدمان شکرالله مشکین فام در زمانی که علیرغم همه‌ی تصریحات مقامات مسئول مملکتی بر آزادی‌های سیاسی گروهی و احزاب، مشغول بود. در هجوم اوپاش با تیر - اندازی پاسداران بدرود حیات گفت و به دیگر برادران محاهدش پیوست و ثابت نمود: من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا.

و آنچه برای مرتجعین و محرکین معلوم الحال، چماق‌داران و انحصار طلبان قاره‌بند می‌ماند، پرو-سماهی و خفت تاریخی است و یک کام نزدیکتر شدن به رانه‌دان تاریخی که در انتظار مرتجعین راسته به امپریالیسم است. چرا که آنها با این تهاجم‌ها، آدم‌کنی‌ها و حتی هجوم به بیمارستان مصدق برای صرب و شتم مجاهدین محروح نشان میدهند که تاریخا " مرده‌اند. ولی شهدای مجاهد خلق زنده‌اند و راهشان پاینده. آنها زنده‌اند. در نزد حدیثان، و می‌درخشند در آسمان پرستاره‌ی این مهبین خوسار و جاودانند در قلب کارگران و دهقانان و سایر رحمتکشان این مردو بوم که برای رهائی به تنها راه یعنی راه مجاهدین، راه خونبار حنیف‌زادها بدیع‌زادگان‌ها و محس‌ها... چشم دوخته‌اند.

ریاست محترم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - مرکزمشهد: احتراماً - به استحضار می‌رساند: آن عده از کارگران سلاح که در تاریخ ۵۹/۱/۳۰ در تظاهرات پاکسازی دانشگاهی شرکت داشتند، ارتباط با شهرداری نداشته و حقوق خود را از طریق کارفرمایان مربوطه دریافت می‌دارند، خواهشمند است دستور فرماید مراتب را جهت اطلاع عمومی از صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مرکز مشهد پخش فرمائید.

باتقدیم احترام، شورای کارگران سلاح کوشندی مشهد، رونوشت جهت استحضار شهردار محترم مشهد تقدیم می‌گردد.

از علاقمندان تقاضا می‌شود که کمک های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در بلیچ شیراز واریز نمایند و حواله‌ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶ - شماره ۶۴/۱۵۵۱ ارسال دارند.

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱

"برنگاور خورشید" به یاسر بخند، گریه مکن ای شیر آنگ ببین بابا نشسته بر نگاور خورشید بر قلبهای ما این قلب‌های شعله‌ور و خونین بابا نشسته بر نگاور افشاندن یال سرخ شهادت مغرور می‌رود، بر جاده‌های سرخ خدا آنگ نسیم حق بر کیسوان درهم و خونینش، آرام می‌وزد همراه با حسین و ابودر همدوش با حنیف آنگ ببین بر چهره‌اش شگفته گل خورشید چشمان مهربان و عمیقش را انگنده بر ستیغ قلبی توحید در راه می‌رود یاسر بلند شو، یاسر بهبال هم جو قامت البرز یاسر ببین آنگ درفش سرخ پدر را در دست‌های گینه‌ی یاران بر بام ابر و تندر و توفان آواز می‌دهد سوگند خورده‌ایم که جان را فدا کنیم در پیشگاه خلق و خدا عهد بسته‌ایم باید وفا کنیم باید وفا کنیم اسماعیل وفاغیبایی ۱۳۵۹/۱/۳۱

مجاهدین خلق ایران سرود ها و اشعار انقلابی. سری سوم - (الف) "یاسر، این داستان هجرت مردانست" یاسر، بخند، گریه مکن یاسر، بخند، گریه مکن... ای مرد افسانه نیست قصه‌ی ایمان جز این نبود و نیست، نخواهد بود این داستان هجرت مردانست، از خاک تا خدا بر جاده‌های سرخ شهادت یاسر "برنگاور خورشید" گویی در هر هجای آن، شکفته بوی خوش شهادت یاسر دیروزها پدر در مسلخ شقاوت دژخیمان در پشت میله‌ها وقتی سرود سرکش خون را می‌خواند می‌گفت باید که خون عاصی خود را در بستر رگان سرود خون جاری کنیم باید که هر هجای (سرود خون) فریاد خشمناک مجاهد باید که هر گلام (سرود خون) زنجیره‌ای ز رزم و شهادت تا این سرود دیر بپاید تا راه خلق را بگشاید * * * * * امشب، شگور همچو گلای بلند و در غرش سرود سرکش خون بر لبان ما جاریست